



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMEMNT

Volume No.: 3, Issue No.: 51, Jun 2024

P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

The role of the family in the realization of comprehensive educational goals

Abstract:

The role of family, school and community education is needed to achieve the success of students, the growth and influence of today's environment affects the child. Children are a source of great potential for the continuity and progress of the country. The present study was carried out with the aim of the role of the family in the realization of all-round educational goals. This research is qualitative and using authoritative books and scientific articles A research has been done. The results of the research show that firstly, the family environment and the community environment have a great role in supporting educational achievements. Programs in schools. Educational programs in schools are not realized if they are not fully supported by families and communities. Second, the role of families in the process of achieving educational goals in schools can be seen from their participation in helping and motivating children to learn. Third, community participation in supporting the achievement of school goals can take place in the form of participation in community learning hours, maintaining school safety, supporting various school programs that are directly related to the community.

Keywords: family, educational goals, comprehensive education.

پښتونستان د علومو انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني

نقش خانواده در تحقق اهداف تربیتی تمام ساحتی

فاطمه سادات علیزاده طباطبایی^۱

چکیده:

نقش آموزش خانواده، مدرسه و جامعه برای دستیابی به موفقیت دانش آموزان مورد نیاز است، رشد و تأثیر محیط امروز بر کودک تأثیر می گذارد. کودکان منبعی از پتانسیل بسیار خوبی برای تداوم و پیشرفت کشور هستند. مطالعه ی حاضر با هدف نقش خانواده در تحقق اهداف تربیتی تمام ساحتی صورت پذیرفت. این تحقیق بصورت کیفی و بهره گیری از کتابهای معتبر و مقالات علمی و پژوهشی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که اولاً محیط خانواده، و محیط جامعه نقش بسیار زیادی در حمایت از دستاوردهای آموزشی دارد برنامه ها در مدارس برنامه های آموزشی در مدارس اگر به طور کامل نباشد محقق نمی شود توسط خانواده ها و جوامع حمایت می شوند. دوم، نقش خانواده ها در فرآیند دستیابی اهداف آموزشی و تربیتی در مدارس را می توان از مشارکت آنها در کمک و ایجاد انگیزه دریافت کودکان در یادگیری دانست. سوم، مشارکت جامعه در حمایت از دستیابی به اهداف مدرسه می تواند در قالب مشارکت در قالب ساعات یادگیری جامعه، حفظ ایمنی مدرسه، حمایت از برنامه های مختلف مدرسه که مستقیماً با جامعه در ارتباط هستند، صورت پذیرد.

کلید واژه ها: خانواده، اهداف تربیتی، تربیت تمام ساحتی.

مقدمه:

خانواده گروهی از افراد است که به دلیل نسبت خونی، ازدواج یا پیوندهای دیگر در یک خانوار زندگی می کنند و در خانه ای که سرپرستی آن را سرپرستی می کند با هم زندگی می کنند و در دیگ غذا می خورند. آنها با یکدیگر تعامل دارند، نقش های خاص خود را دارند و فرهنگ را ایجاد و حفظ می کنند. نقش خانواده به عنوان مربی اصلی در خانواده مدعی است که برای تربیت فرزندان خود با یکدیگر همکاری کنند. نقش اصلی خانواده در تربیت فرزندان، زیربنای تربیت اخلاقی و زندگی دینی است. شاکله و ماهیت کودکان تا حد زیادی از والدین و سایر اعضای خانواده گرفته شده است. محیط خانواده اولین محیط آموزشی است زیرا در این خانواده هر فرد یا کودک ابتدا آموزش و راهنمایی می گیرد. در ارائه آموزش باید به رشد کودکان توجه شود. رشد کودک تغییری است در کودک که در آن رشد بی نهایت حس رشد فزاینده رشد می کند، اما در آن مجموعه ای از تغییرات نیز وجود دارد که پیوسته روی می دهد و از کارکردهای جسمی و روحی فرد به مرحله ثابت می شود. از طریق رشد، بلوغ و یادگیری، چندین دوره رشد وجود دارد که باید توسط کودک به دست آید. بنابراین خانواده در دوره رشد کودک تأثیر بسیار مهمی دارد تا از اخلاق و هنجارهای حاکم بر جامعه در برابر خود آگاهی اساسی داشته باشد (ایرنا روستین^۲، 2018).

آموزش ارزشی (ارز یا پول) است که در هر زمان و همه جا دارای اهمیت ویژه است؛ این بیشترین است و از مناسبات برای توصیف عملکرد و نقش آموزش و پرورش و این جمله می تواند همچنین تعبیر شود که آموزش و پرورش سرمایه اصلی است که باید در اختیار هر زنده ای قرار گیرد؛ فردی برای زنده ماندن از پیشرفت روزگار؛ زمان هایی که خودشان را می طلبند قادر به تسلط بر اطلاعات و فناوری است که همیشه در تجربه تغییرات مسابقه داده است، هر بار نیز هر فردی می خواهد که شایسته، موفق و درخشان باشد، آموزش در آینده، به عنوان معیاری برای رقابت با دنیای عصر امروز جهانی سازی که همه چیز را سریع، فوری و آسان می طلبد. محیط خانواده اولین محیط آموزشی است، زیرا در این خانواده هر فرد یا کودک ابتدا آموزش و راهنمایی دریافت کند. گفته می شود که محیط اصلی، زیرا بیشتر زندگی فرد یا فرزند در خانواده است، به طوری که آموزش بیشتر است به طور گسترده توسط کودک در خانواده و خانواده و همچنین نهادن دانش پایه پذیرفته شده است، اخلاق و هنجارها علیه او؛ نقش فن آوری به طور فزاینده پیشرفته و بالاتر آموزش و پرورش امروز در واقع، والدین امروزی به طور فزاینده ای از اهمیت نقش خود آگاه هستند در آموزش کودکان تعدادی از تلاش های والدین برای حمایت از آموزش و پرورش آنها تأثیر بسزایی داشته است (ارفینا و همکاران^۳، 2019). محیط خانواده و محیط جامعه نقش بسیار مهمی در حمایت از آن دارد، دستیابی به برنامه های آموزشی در مدارس برنامه های آموزشی در مدارس نمی تواند باشد، اگر خانواده ها و جوامع به طور کامل از آنها حمایت نکنند، به دست می آیند؛ نقش خانواده ها در فرآیند دستیابی به اهداف آموزشی در مدارس را می توان از آن دید مشارکت آنها در کمک و ایجاد انگیزه در یادگیری کودکان، از جمله از نظر مشارکت

Email: Fatemeh.tabatabaie1375@gmail.com

² Irena Rostin

³ Arfina et al

¹ - کارشناس علوم تربیتی / اصفهان.

جامعه در حمایت از دستیابی به اهداف مدرسه می تواند تحقق یابد شکل مشارکت در اجرای ساعات آموزشی جامعه، حفظ ایمنی مدرسه، حمایت از برنامه های مختلف مدرسه که مستقیماً با جامعه در تماس هستند فرآیند یاددهی و یادگیری در هسته فرآیند کلی آموزش با معلم به عنوان اصلی است. فرآیند یاددهی و یادگیری نیز فرآیندی است که شامل مجموعه ای از اقدامات معلمان و دانش آموزان است؛ بر اساس روابط متقابلی که در موفقیت های آموزشی برای رسیدن به اهداف معین پیش می رود. "تعامل یا رابطه متقابل معلم و دانش آموز لازمه اصلی تداوم تدریس است و فرآیند یادگیری." (عثمان، 1999). در یادگیری، دانش آموزان از اصل آموزش استفاده می کنند و تئوری یادگیری است. عامل اصلی موفقیت تحصیلی "یادگیری یک فرآیند ارتباطی دو طرفه است، آموزش توسط افراد انجام می شود؛ معلم یا مربی، در حالی که یادگیری توسط دانش آموزان انجام می شود" (ساگالا¹، 2008). خانواده اولین محیط آموزشی است، زیرا در این خانواده است که کودک ابتدا آموزش می بیند و راهنمایی؛ وظیفه اصلی خانواده برای تربیت فرزندان، زیربنای زندگی اخلاقی و دینی است. آموزش، زیرا ماهیت و شخصیت فرزندان بیشتر برگرفته از والدین و سایر خانواده است. "مشارکت آموزش والدین در مدارس با موفقیت تحصیلی دانش آموزان مرتبط است. به نظر می رسد مشارکت اجتماعی شدن تحصیلی والدین در ارتقای موفقیت تحصیلی فرزندان بهتر باشد؛ دستیابی به موفقیت اجتماعی-اقتصادی در آینده." (بنر و همکاران²، 2016). علاوه بر نقش خانواده، نقش آموزش مدرسه و جامعه نیز وجود دارد، زیرا همه چیز بسیار است. ارتباط نزدیک دارد، زیرا هم تشویق کننده و هم آموزش دهنده است. مانند آموزش مدرسه، آموزش مدرسه نیز آموزش است؛ که عمده با قوانین سختگیرانه طراحی و اجرا می شود، مانند اینکه باید لایه ای و پیوسته باشد تا به نام یک آوند رسمی «(راهارجا و سولا³، 1998). مشارکت والدین مهمترین عامل رشد تحصیلی و رفتاری کودکان است. این نشان می دهد که والدین مسئولیت را صرفاً به عهده معلمان و مدیران گذاشته اند. بنابراین عدم مشارکت والدین منجر به تعامل کم، موفقیت تحصیلی پایین و پیشرفت تحصیلی پایین شد. عدم مشارکت والدین در خانه و مدرسه ناامید کننده است. این مطالعه نشان داد که مشارکت والدین در آموزش در خانه و مدرسه سهم زیادی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. این نشان می دهد که مشارکت والدین در ارتباط با کیفیت آموزش است. توجه به افراد با زمینه های اجتماعی-اقتصادی پایین برای حفظ، از نظر اقتصادی و اخلاقی، برای ایجاد ثبات در فرصت های قابل دستیابی. سازوکارهای افزایش مشارکت والدین در یادگیری دانش آموزان و آشکار ساختن نگرش والدین نسبت به عملکرد تحصیلی فرزندان (ریتا لمیسا و همکاران⁴؛ 2023). سه مسئولیت مشترک برای کیفیت آموزشی عبارتند از: والدین، دولت و جامعه برای تحقق بهترین کیفیت آموزش بسیار قابل توجه هستند (ارفینا و همکاران⁵، 2019). مدل اپستاین در سال 1995 (اپستاین⁶، 1995) به طور کلی در مورد سه محیط همپوشانی که نیازهای کودک را از نظر رشد، رشد و یادگیری کامل برآورده می کند، مد نظر قرار می گیرد. این سه محیط عبارتند از خانواده، مدرسه و اجتماع و بالاتر از همه در هم تنیده و به هم پیوسته اند. در این محیط ها، حضور والدین ضروری است زیرا والدین یا به عنوان والد/ سرپرست، معلم/ مربی یا عضوی از جامعه ظاهر می شوند. خانواده اولین و مهمترین محیط برای کودک است زیرا خانواده به عنوان پایه و اساس آموزش کودکان به کودکان تلقی می شود و مسئولیت اصلی آموزش واقعی بر عهده خانواده است (چونگ و همکاران⁷، 2011). مشارکت والدین در آموزش ارتباطی است که بین والدین و فرزند در مورد مدرسه (کودکان در مورد فعالیت های مدرسه خود به والدین خود گزارش می دهند) و بین والدین و پرسنل مدرسه (معلم) در مورد پیشرفت کودک برقرار می شود. به نظر می رسد مشارکت در آموزش با فرزندان در مدرسه عاملی حیاتی برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت مستمر کودکان در مدرسه باشد. ارتباط و مشارکت منظم و خوب بین معلمان و والدین برای تجارب مثبت پایدار هم در خانه و هم در مدرسه ضروری است (چاره و همکاران⁸، 2017). این نه تنها بر نتایج تحصیلی تأثیر می گذارد، بلکه بر نتایج غیر تحصیلی مانند حضور دانش آموزان در مدرسه و رفتار و نگرش آنها نسبت به مدرسه تأثیر می گذارد (آلبرتا و همکاران⁹، 2018). تأثیرات مثبت مشارکت والدین بر نتایج تحصیلی دانش آموزان نه تنها توسط مدیران و معلمان مدرسه، بلکه توسط سیاست گذارانی که جنبه های مختلف مشارکت والدین را در ابتکارات و اصلاحات آموزشی جدید در هم تنیده اند، شناسایی کرده اند (دیوید و همکاران، 2011). فعالیت های مشارکت والدین برای دانش آموزان مدارس راهنمایی در خانواده هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین (SES) بسیار سودمند است (ریتا لمیسا و همکاران؛ 2023). فرآیند یادگیری یک مفهوم بسیار پیچیده در موثرتر کردن فعالیت های یادگیری است. کارآمد و مساعد است. این فرآیند شامل عناصر مختلفی در یک محیط آموزشی است، اعم از معلمان، دانش آموزان، رسانه ها و سایر عناصری که از وقوع تعاملات یادگیری پشتیبانی می کنند. یادگیری که تاکنون اتفاق افتاده است؛ به عنوان یادگیری متعارف تعریف می شود که فقط بر ارتباطات

¹ Sagala

² Banner et al

³ Raharja and Sula

⁴ Rita Lemissa et al

⁵ Arfina et al

⁶ Epstein

⁷ Chong et al

⁸ Chare et al

⁹ Alberta et al

کلامی، تمرکز معلمان تمرکز دارد، یادگیری اقتدارگرا، معلمانی که حق دارند تعیین کنند دانش آموزان چه چیزی یاد خواهند گرفت و ایده هایی که این کار را نمی کنند؛ فضایی را برای دانش آموزان فراهم کنید تا یادگیری خلاقانه و خلاقانه را توسعه دهند. برنامه درسی آموزش پویا است زیرا همواره با توجه به توسعه و چالش ها تغییر می کند. از زمان ها هر چه تمدن ملت پیشرفته تر باشد، چالش های پیش روی آن سنگین تر است. رقابت در علم به طور فزاینده ای در سطح بین المللی انجام می شود. به طوری که از یک ملت نیز خواسته می شود که بتواند؛ برای بالا بردن شهرت کشور در سطح جهانی رقابت کنند. بنابراین، برای مقابله با چالش هایی که گریبان گیر ما خواهد شد؛ دنیای آموزش، استحکام برنامه درسی و اجرای آن برای بهبود آن بسیار مورد نیاز است (آریفین و همکاران، 2016).

عملکرد آموزش و پرورش بسیار عقبتر از کشورهای توسعه یافته در جهان است. این اساس شکاف بین معلمان و دانش آموزان در یادگیری می شود. نگرش ها، درک ها، یا عاداتی که همانطور که ذکر شد، یک فضای یادگیری ناخوشایند است. البته بزرگترین آرزوی والدین، مربیان و جامعه نسبت به دانش آموزان خود موفقیت و موفقیت زندگی است. "خانواده چه باید بکنند، مدرسه و جامعه چه کاری باید انجام دهند و دانش آموزان برای رسیدن به اهداف مشترک خود چه باید بکنند موفقیت کودکان در مدرسه و در آینده؟" (اپستاین، 2018). در پاسخ به این، محقق سعی کرد چندین مدل یادگیری را که می توانستند هدف قرار دهند، گرم کند. ارجاع شده توسط معلمان در به کارگیری راهبردهای یادگیری نوآورانه و جهت گیری به اصول سازنده که هستند؛ در حال حاضر برای هر معلم در انجام یادگیری در کلاس توصیه می شود. این یادگیری نوآورانه مجهز است. با مدل های متنوع با نحو یا مراحل. اینها شامل یادگیری مستقیم، مشارکتی، یادگیری مبتنی بر مشکل، تحقیق یا از طریق کشف با تمرکز بر کودکان و نوجوانان به عنوان دانش آموز، برخورد با آموزش انتقادی و سازماندهی اقدامات و ابتکارات مشترکی که از دانش آموزان حمایت می کند و عمیقاً منابع جامعه را درگیر می کند. یکی از آنها از طریق، "رویکرد کل مدرسه، کل جامعه و کل کودک (WSCC) بسیار مهم است؛ فرصت هایی که دستیابی به آموزش و توسعه سالم را برای دانش آموزان بهبود می بخشد." (لوان و همکاران، 2015). انتظار می رود این تحقیق یکی از منابع مرجع برای توسعه توانایی فرآیند یادگیری مبتنی بر آن باشد، در اصول یادگیری نوآورانه بنابراین می توان از آموزش در مدارس برای ساختن شخصیت و شخصیت دانش آموزان نجیب، با قوت استفاده کرد؛ شخصیتی مانند خلاق، رقابتی، منضبط، حفظ روحیه ملی گرایی و آماده برای قوی شدن انسان ها می توانند مشکلات مختلف شخصیتی و اخلاقی دانش آموزان را بهبود بخشند (مونا، 1394). مقداری برای ایجاد مشارکت بین مدارس و خانواده ها می توان کارهایی انجام داد. همه اشکال همکاری بسیار است؛ در پیش برد آموزش مدرسه به طور کلی و دانش آموزان به طور خاص مفید و معنادار است

نقش خانواده در تربیت دانش آموزان

موفقیت تحصیلی در گرو علل و عوامل متعددی است که نبود و یا نقصان هر کدام از این عوامل موجبات افت تحصیلی را فراهم می سازد. هوش و استعداد تحصیلی یادگیرنده، عوامل محیطی (نظیر دیدگاه های حاکم بر جامعه در خصوص تحصیل، امکانات، وضعیت اقتصادی و حتی وضعیت فرهنگی محیط اجتماعی و...) و عوامل خانوادگی از مهمترین عوامل تاثیر گذار بر روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر شمرده می شوند. هر چند نمی توان از نقش تاثیر گذار هوش و استعداد تحصیلی و عوامل محیط اجتماعی غافل شد اما در این مقاله به بررسی نقش خانواده در تحصیل فرزندان پرداخته ایم. تعلیم و تربیت و مسائل مربوط به آموزش و پرورش فرزندان از اولویت ها و دل مشغولی های خانواده هائی است که فرزندان در سنین مدرسه و حتی دانشگاه دارند. بی شک نقش خانواده در موفقیت تحصیلی فرزندان آن چنان حائز اهمیت است که به هیچ بهانه قابل کتمان نیست. خانواده با آن جایگاه برجسته و ممتاز در نظام تعلیم و تربیت به دلایل متعددی می تواند تاثیری شگرف در فعالیت های آموزشی داشته باشد. که مختصراً به آن اشاره می شود. اول اینکه نهاد خانواده در مقام اولین جایگاه تعلیم و تربیت، شکل دهنده بسیاری از نگرش ها و دیدگاه های فرزندان خواهد بود. برخی از این دیدگاه ها و نگرش ها در حوزه تحصیل نیز خواهد بود که با توجه به نوع نگرش (مثبت یا منفی بودن) می تواند تاثیری باز دارنده یا ارتقاء دهنده در پیشرفت تحصیلی فرزندان داشته باشد. به تعبیر دیگر منشاء بروز پدیده افت تحصیلی دانش آموزان می تواند باور های ذهنی باشد که در محیط خانواده شکل گرفته است. نوع نگاه و نحوه برخورد خانواده ها با امر تحصیل و یا حتی ارزش بودن و یا نبودن تحصیل در خانواده ای می تواند باور های سازنده و یا مخربی را در ذهن فرزندان شکل دهد. متأسفانه در بیشتر موارد در خانواده هائی افت تحصیلی مشاهده می گردد که تحصیل علم نزد والدین و افراد خانواده ارزش چندانی ندارد. و حتی در برخی موارد نكوهش نیز می شود. دومین نکته ای که باید به آن اشاره نمود نقش حمایتی خانواده است. خانواده به عنوان اولین حامی فرزندان را از بدو تولد تا سال های پایانی عمر به شکل های متفاوتی زیر چتر حمایت خود می گیرد. حمایت های منطقی و اصولی و سازنده خانواده از فرزندان جدای از ایجاد جو عاطفی و محبت در محیط خانواده. سبب ساز تقویت اعتماد به نفس در وجود فرزندان می شود و آنان را به مرزهای خود باوری و خود اتکائی رهنمون می سازد. ها، فضاهای گرم و صمیمی در محیط های عاطفی خانواده که معمولاً با ابراز محبت های منطقی نیز همراه است موجبات افزایش شوق و ذوق فرزندان نسبت به تحصیل، کاهش اضطراب و افزایش روحیه را فراهم می سازد. دلیل سومی که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است. نقش نظارتی خانواده بر فرزندان است. در میان نقش هائی که والدین بر عهده دارند، نقش نظارتی آنها در کنترل و نظارت بر روند فعالیت های آموزشی فرزندان در تمامی مقاطع تحصیلی جایگاه ویژه ای دارد. بدیهی است که این نظارت و کنترل در سنین دبستان از اهمیت فوق العاده بیشتری برخوردار است. هر چند که صاحب نظران تعلیم و تربیت نظارت را در تمامی دوره های تحصیلی توصیه می کنند نظارتی که برای تمامی سنین در هدف مشترک است و تنها در شیوه های اجرا و روش های کنترلی ممکن است قدری با هم متفاوت باشند.

ریشه بسیاری از افت تحصیلی ها در خانواده

باید اقرار کرد که ریشه و اساس بسیاری از افت تحصیلی ها و بی انگیزگی های دانش آموزان به تحصیل در درون خانواده ها است. چه بسیارند دانش آموزانی که از انگیزه های لازم و کافی برای درس خواندن و یادگیری برخوردار نیستند و در راس همه دلایلی که آنان را نسبت به تحصیل ، درس و کتاب بی انگیزه کرده است. نگرش ها و بارو های غلطی است که بعضا در محیط خانواده فراگرفته اند. برخی رفتارهای غلط و نا آگاهی های والدین، انگیزه این مهمترین و اصلی ترین عامل در پیشرفت تحصیلی را در درون فرزندان از میان برده است. هنگامی که خانواده ها از نقش نظارتی خود در فعالیت های آموزشی و تربیتی فرزندان غافل می شوند . وقتی در درون خانه نگرش ها و باور های غلطی درباره تحصیل و علم آموزی در ذهن فرزندان شکل می گیرد . وقتی حمایت خانواده ها از فرزندان در دوره های مختلف تحصیل کم رنگ و یا از بین رفته است . وقتی محیط های خانوادگی بعضا به محیط های سرد و بی روح مبدل گشته اند و گاه والدین از وضعیت تحصیلی فرزندان خود بی خبرند و ارتباط والدین و فرزندان به دلایل متعددی همچون اشتغال تمام وقت والدین در بیرون از خانه به حد اقل ممکن رسیده است دیگر چه انتظاری می توان داشت که چرخ موفقیت تحصیلی فرزندان بدرستی و در جهت مثبت پیش رود .

ارتباط با مدرسه راهکاری مناسب

ار آنجا که نهادهای خانه و مدرسه هر دو وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان را بر دوش دارند لذا ارتباط بین این دو نهاد تربیتی لازم و ضروری به نظر می رسد. چرا که نه مدرسه می تواند بدون همکاری خانواده ها رسالت تعلیم و تربیت خویش را به شکل صحیح اجرا نماید و نه خانواده ها می توانند بدون ارتباط مستمر با مدرسه در جهت تربیت صحیح و رفع مشکلات تحصیلی فرزندان خود اقدامی مناسب انجام دهند. اصولا به دو دلیل مهم ارتباط بین مدرسه و خانه توصیه می شود. اول اینکه ارتباط بین این دو نهاد باعث ایجاد یک نوع هماهنگی در هدف ها، روش ها و انتظارات تربیتی و آموزشی بین خانه و مدرسه می شود. حسن این هماهنگی این خواهد بود که از بروز تضاد ها و دوگانگی ها و تعارض ها در امور تحصیلی و خصوصا تربیتی فرزندان که موجب بروز سرخوردگی ، دلزدگی و افسردگی در فرزندان می شود نتیجه ای جز سردرگمی فرزندان ندارد. جلوگیری می شود. ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی و نیاز های فرزندانشان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را بدست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است توصیه می گردد. برخی والدین به دلیل عدم آشنائی کافی با نیاز های واقعی و ویژگی های سنی فرزندان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی توانند نقش های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می شوند بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می گیرند. ارتباط مستمر با مدرسه و شرکت منظم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و شرکت در کلاس های آموزشی مناسب برای آشنائی با ویژگی ها و نیاز های فرزندان در دوره های سنی مختلف راهکار مناسبی است برای تقویت بعد نظارتی و حمایتی خانواده ها در برابر فرزندان که امیدواریم مورد توجه خانواده ها قرار گیرد.

ساحت های شش گانه تربیتی سند تحول بنیادین :

ساحت در لغت نامه فارسی معین به معنای خانه، درگاه و آستانه آمده است ولی مقصود از ساحت در حوزه تعلیم و تربیت، محدوده و دامنه خاصی است که مجموعه ای از رفتارها و فعالیت های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می گیرد. انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت های مختلف است، از بینش ها، گرایش ها و توانایی های مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباط غایی دارد واز آن ها تأثیر می پذیرد و بر آن ها تأثیر می گذارد. هنگامی که از تعلیم و تربیت سخن می گوئیم، در واقع از نوعی از قابلیت ها و ظرفیت هایی سخن می گوئیم که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای رسیدن به کمال مطلوب خود نیازمند آن است که با یاری دیگران آن ها را به فعلیت برساند یا آن ها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند. بنابراین تعلیم و تربیت دارای حوزه های مختلفی است، حوزه هایی که در آن نیازهای مشترک هم عرض انسان ها قرار گرفته است اصطلاح (ساحت های تربیتی) به کار گرفته می شود.

ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت هستند از (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش):

1- ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

– پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام

– خودشناسی و دیگرشناسی برای پاسخ گویی مسئولانه به نیازها، محدودیت ها و پیشرفت ظرفیت های وجودی خویش و دیگران.

– تلاش پیوسته برای حضور مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی

2- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

– تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن

-درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه (در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی)

3- ساخت تربیت علمی و فناوری

-شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری بر اساس نظام معیار اسلامی
-بهره‌گیری و ارزیابی از یافته‌های علمی و فناورانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن‌ها جهت کشف صورت‌های جدید واقعیت یا خلق روش‌ها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چهارچوب نظام معیار اسلامی

4- ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی

-بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی؛
-درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی
-آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق‌بخش جامعه صالح بر اساس ارزش‌های نظام معیار اسلامی
-تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛
-بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی
-مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی.

5-ساخت تربیت زیستی و بدنی

-درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش
-تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی؛
-تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی؛
-کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛

6- ساخت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

-رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت / هستی و ابزار آن به زبان هنری؛
-درک زیبایی‌های جهان و آفرینش به‌منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود؛
-بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری باهدف حفظ تعالی میراث هنری در سطح ملی و جهانی.

تربیت:

انسان‌ها برای تحقق زندگی سعادت‌مند و همراه آسایش و آرامش و به دور از عوامل آسیب‌زا به‌طور کلی برای رسیدن به حیات طیبه به طراحی نهاد‌های گوناگونی متوسل می‌شوند که هر یک از آن‌ها پایه‌ی لازم را از بنای اجتماع انسانی تشکیل می‌دهند، اما نقش تربیت در دست‌یابی آگاهانه و آزادانه انسان به هستی متعالی و جاودانه و نیل به حیات طیبه بسیار مهم و اساسی می‌باشد. حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی انسانی در همه‌ی ابعاد و مراتب و مفهومی یکپارچه ولی و دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف هست طوری که فرد علاوه بر شکوفایی فطرت الهی به رشد همه‌جانبه استعداد‌های طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایل خود بر مبنای نظام معیار اسلامی و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌پردازد. بنابراین می‌توان تعریف جامعی از تربیت ارائه نمود: "تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده

شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد: براساس ساحت های تعلیم و تربیت و تعریف اخیر از تعلیم و تربیت، اهداف ساحت های مختلف تعلیم و تربیت در دوره اول و دوم ابتدایی در جدول ذیل آورده شده است.

نقش خانواده در تعلیم و تربیت

جامعه گروهی از مردم است که منطقه ای را اشغال می کنند و به تجربیات یکسان محدود می شوند و می توانند با هم برای ملاقات با یکدیگر عمل کنند. بحران زندگی روابط عمومی نقش مهمی در کمک به اثربخشی وظایف در مدرسه مدیریت دارد (کوسوماستوتی، 2002). کارکرد آموزش در جامعه این است که نسل جوان را برای ایفای نقش های خاصی آماده کند؛ جامعه در آینده، دانش مربوط به این نقش ها را از نسل قدیمی به نسل جوان منتقل می کند؛ نسل، و حرکت ارزش هایی که هدف آن حفظ نیاز و وحدت جامعه است که یک امر مطلق است شرط تداوم حیات یک جامعه و تمدن؛ به گفته ادوین بی فلیپو، «آموزش افزایش دانش و درک عمومی ماست؛ محیط به عنوان یک کل، در حالی که آموزش تلاشی است برای افزایش دانش و تخصص یک کارمند برای انجام یک شغل خاص.» (رامایولیس¹، 2011). در شناخت خانواده، خانواده معانی متعددی دارد. خانواده یک گروه اجتماعی متشکل از دو یا افراد بیشتری که پیوند خونی، ازدواج یا فرزندخواندگی دارند. "بنابراین می توان آن را جوهره ای از درک این موضوع دانست. خانواده، یعنی: 1) خانواده کوچکترین گروه اجتماعی است که عموماً متشکل از پدر، مادر و فرزند است.

روابط اجتماعی که در آن خانواده نسبتاً ثابت است مبتنی بر پیوندهای خونی، ازدواج یا فرزندخواندگی است. 3) رابطه بین خانواده ها الهام گرفته از چینه عاطفه و احساس مسئولیت است و 4) کارکرد خانواده عبارت است از ترمیم، مراقبت و محافظت از کودکان در چارچوب اجتماعی شدن به طوری که آنها قادر به کنترل باشند خود و روحیه اجتماعی دارند.» (حفید، 1392). از نظر تحصیلی، خانواده واحد زندگی (نظام اجتماعی) است و خانواده موقعیت های یادگیری را فراهم می کند. مانند یک واحد زندگی مشترک (نظام اجتماعی)، خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزند است. پیوندهای خانوادگی به کودکان کمک می کند توسعه ماهیت دوستی، عشق، روابط بین فردی، همکاری، نظم، رفتار خوب و شناخت اقتدار (حسبلو، 2011). در این میان با توجه به فراهم آوردن شرایط یادگیری از سوی خانواده ها می توان دریافت که نوزادان و کودکان نیز چنین هستند. هم از نظر وضعیت جسمانی و هم از نظر توانایی های فکری، اجتماعی و اخلاقی به والدین بسیار وابسته است. نوزادان و کودکان یاد می گیرند آنچه را که والدینشان می آموزند تقلید کنند. به عنوان اولین و مهم ترین آموزش، «آموزش خانواده می تواند کودکان را برای داشتن شخصیت هایی چاپ کند که پس از آن می توانند در موسسات بعدی توسعه یابد تا اقتدار این موسسات تغییری در آنچه که دارند ایجاد نکند در حال حاضر در پوشش وجود دارد، اما با ترکیب آموزش به دست آمده از خانواده با خانواده کافی است به طوری که مساجد، مدارس شبانه روزی اسلامی و مدارس مکان های انتقالی خانواده باشند.

آموزش و پرورش. " (مجیب، 2008). "کمک های خانواده برای آموزش کودکان به شرح زیر است: 1) راه والدین فرزندان خود را آموزش می دهند تا به روش هایی برای مراقبت از خود، راه رفتن، دعا کردن و نقش آفرینی واقعی بر روی خود مسلط شوند؛ زیرا آنها ارتباط نزدیکی با رشد شخصی آنها دارند. 2) نگرش والدین تأثیر زیادی دارد؛ رشد کودکان نگرش پذیرش یا رد، نگرش شفقت یا بی تفاوتی، صبر یا عجله، نگرش محافظت یا اجازه دادن به طور مستقیم بر واکنش عاطفی کودک تأثیر بگذارد." (حفید، 1392). طبیعی و منطقی است که آموزش و پرورش در دست والدین باشد و دیگران نتوانند آن را به عهده بگیرند زیرا همین امر است. خون بدن، به جز محدودیت های این دو پدر و مادر. بنابراین، همانطور که مسئولیت آموزش می تواند باشد. به دیگران واگذار می شود، یعنی از طریق مدرسه. مسئولیت های آموزشی که باید بر اساس آن ها پایه گذاری و پرورش داده شوند. هر دو والدین فرزندان عبارتند از: الف) نگهداری و تربیت آن، این مسئولیت یک انگیزه طبیعی برای انجام است. از آنجا که فرد نیاز به خوردن، نوشیدن و مراقبت دارد تا به زندگی پایدار خود ادامه دهد، ب) محافظت و سلامت آنها را چه از نظر دینی و چه از نظر معنوی از بیماری های مختلف یا خطرات محیطی که می تواند تضمین کند. خود را به خطر بیندازند، ج) دانش و مهارت های گوناگونی را که برای زندگی مفید است به او آموزش دهند تا در صورت یک بزرگسال می تواند به تنهایی بایستد و به دیگران کمک کند و د) به آنها آموزش دینی بدهد.

اشکال همکاری بین مدارس و سایر جوامع: بازدید از منازل دانش آموزان در صورت عدم وجود والدین به مدرسه، جلسه رسیدگی به پرونده، نهادهای کمکی مدرسه، انجام مکاتبات بین مدارس و خانواده ها، الف) لیست نمرات یا کارنامه علاوه بر کتاب های درسی، جامعه مطالب زیادی از جمله جنبه های طبیعی صنعت، مسکن، حمل و نقل، مزارع، معدن و غیره. بنابراین، روشن است که نقش جامعه برای مدرسه بزرگ است. ب) تحصیلات؛ برای آن، گویی لازم است از آن به بهترین شکل ممکن استفاده کنید. حداقل آموزش و پرورش باید بتواند از منابع استفاده کند.

¹ Ramaiolis

دانش در جامعه

رابطه بین مدرسه و جامعه یک فرآیند ارتباطی با هدف است. افزایش نیازها و شیوه های اعضای جامعه و تلاش برای بهبود مدرسه. زیرا مدرسه در در میان جامعه، به جامعه خدمت می کند و مورد حمایت جامعه قرار می گیرد، جامعه باید بهره مند شود از خروجی مدرسه، در قالب فارغ التحصیلانی که دارای مدارک خاصی هستند. برای ایجاد کیفیت لازم است که یک کار تیمی بین خانواده و جامعه وجود داشته باشد. روابط هماهنگ در تحقق چشم انداز، رسالت مدرسه بسیار ضروری است. موفقیت یک نهاد چیزی جز دخالت سه نقش نیست. **پیشنهاد:** - برای دستیابی به اهداف آموزشی، خانواده ها، مدارس و جوامع باید حمایت، همکاری و مشارکت داشته باشند. - برای آموزش و یاددهی هر چه بیشتر و بهتر در دانش آموزان و ارتباط مناسب تر بین والدین و فرزندان در محیط خانواده، لازم است کارگاههایی برای ارتقا سطح آگاهی والدین برگزار شود.

منابع و مآخذ:

- ✓ Abdurahman, M., 2003. Education for children with learning difficulties. Jakarta: Rieneka Cipta.
- Benner, A.D., A.E. Boyle and S.
- ✓ Sadler, 2016. Parental involvement and adolescents' educational success: The roles of prior achievement and socioeconomic status. *Journal of Youth and Adolescence*, 45(6): 1053-1064. Available at: <https://doi.org/10.1007/s10964-016-0431-4>.
- ✓ Clark, R.M., 2015. Family life and school achievement: Why poor black children succeed or fail. London: University of Chicago Press. *Education*, 5(1): 90-101.
- ✓ Epstein, J.L., 2018. School, family and, community partnerships. 2nd Edn., New York: Taylor Francis.
- ✓ Erna Roostin(2018), FAMILY INFLUENCE ON THE DEVELOPMENT OF CHILDREN, February
- ✓ 2018, Primary Edu Journal of Primary Education 2(1):1, DOI:10.22460/pej.v1i1.654.
- ✓ Hafid, A.D., 2013. Basic concepts of educational sciences. Bandung: PT Alfabeta.
- ✓ Hasbulloh, 2011. Basics of education. Jakarta: PT Raja Grafindo Persada.
- ✓ Kurniawan, 2011. Educational thought. Curup: LP2 STAIN Curup.
- ✓ Kusumastuti, 2002. Basics of public relations. Jakarta: Ghalia Indonesia.
- ✓ Lewallen, T.C., H. Hunt, W. Potts-Datema, S. Zaza and W. Giles, 2015. The whole school, whole community, whole child model: A new approach for improving educational attainment and healthy development for students. *Journal of School Health*, 85(11): 729-739. Available at: <https://doi.org/10.1111/josh.12310>.
- ✓ Maunah, B., 2015. Impelentasi character education in the determination of student holistic personality. *Journal of Character*
- ✓ Muhaimin, D., 2008. Development of the education unit kuriulum model (KTSP) in schools and madrasas. Jakarta: Rajawali Pers.
- ✓ Muhaimin., D., 2008. Development of the education unit kuriulum model (KTSP) in schools and madrasas. Jakarta: Rajawali Pers.
- ✓ Mujib, A. and J. Mudzakkir, 2008. Islamic education. Jakarta: Kencana. Nuzuar, 2012. Introduction to education. Curup: LP2 STAIN. *American Journal of Education and Learning*, 2019, 4(2): 292-301.
- ✓ Ramayulis, 2011. Islamic education. Jakarta: Kalam Mulia.
- ✓ Sagala, S., 2008. Concept and meaning of learning. Bandung: Alfabeta.

- ✓ Setiyani, S.W., 2012. Building teamwork (groups): October edition. Stie Journal Semarang, 4(3): 59-65.
- ✓ Suryosubroto, 2006. Management of school and community relations. Yogyakarta: Universitas Negeri Yogyakarta.
- ✓ URL: www.onlinesciencepublishing.com | September, 2019 Raharja, U.T. and L. Sula, 1998. Introduction to education Jakarta: Rienea Cipta.
- ✓ Usman, M.U., 1999. Become a professional teacher. Bandung: PT Remaja Rosdakarya

